گزارش خبری

وقتی قوت شایعه از حادثه بیشتر است

شهری بر مدار شایعه

علی‌محمد مرادخانی/ ایلام

■ شهر نیمه تعطیل است، کرکره بیشتر دکان‌ها پایین کشـیده شـده، مردم برای حادثه‌ای که در پیش است بطری‌هـای آب معدنی و قوطی‌های کنسـرو را ذخیره کرده‌اند. التهاب در اوج خود قرار دارد و واژه‌ها و جمله‌ها دهان به دهان می‌چرخند و گوش به گوش می‌رسند تا گاهی از کاه، کوه ساخته شده و کلاغ‌هایی به چهل کلاغ تبدیل شوند. این حکایت شهری در آستانه جنگ نیست، هر چند جنگ غریبی در حال وقوع است، اما جنگ جنگ توپ و گلوله نیسـت. جنگ شـایعه است در شهری که بیشـتر از آنکه گرفتار جنگ باشد درگیر شایعه‌هایی از حادثه‌ای پیش‌رو است.

دهلران، شـهری در جنوب غربی ایران یک ماه پر از حادثه و شـایعه و پچ‌پچ را پشـت سرگذاشته؛ در مدت زمانی کوتاه که شـاید بـه یک‌ماه نرسـد. بیش از صد زلزله سـه تا پنج ریشتر شهر را لرزانده و بیشتر از زلزله شایعات است که کمر شهر و مردمش را لرزانده و دلشان را ترسانده: «قرار است هشتم یا نهم اردیبهشت شهر روی هوا برود»، «می‌گویند این به خاطر پلمپ کردن چاه‌های نفت اسـت که به زمین فشار می‌آورند»، ... «گفته‌اند که شهر را تخلیه کنید»، «مسوولان آماده‌باش داده‌اند و همه چیز را برای زلزله‌ای که در راه است آماده کردند...»

در چند گوشه شهر چادرها را برپا کرده‌اند، سگ‌های زنده‌یاب را آورده‌اند و همه اینها در کنار زمین‌لرزه‌های هر روزه باعث شده تا مردم در گرمایی که با پشه‌های گزنده همراه است شب را در حیاط خانه، پارک‌ها و چادرهایی که در جایی امن بر پا کرده‌اند، بگذرانند و گوش به زنگ حادثه‌ای باشـند که هنوز نیامده و دل نگران شـایعاتی باشـند که بیشـتر از خود حادثه نیامده ته دلشـان را خالی می‌کند. همین وضعیت باعث شـده تا چادرهای مسـافرتی ۴۰هزار تومانی تا ۱۲۰هزار و ۱۵۰هزار تومان قیمت بخورد و در نبود فضای شفاف اطلاع‌رسانی بستر برای شایعه‌ها فراهم باشد؛ شایعه‌هایی که بیشتر ساخته و پرداخته آدم‌های سودجویی است که در این بستر گنگ هم کالایشان را چند برابر به فروش برسانند و هم منتظر حادثه باشند تا... کسـانی که فک و فامیلی در شهرهای اطراف دارند چند صباحی را بیرون از شـهر می‌گذرانند و کسانی که نمی‌توانند مال و اموال و خانه و زندگی‌شان را به امان خدا رها کنند، مانده‌اند چشـم به راه حادثه‌ای که هنوز اتفاق نیفتاده، شب و روز در دل نگرانی می‌گذرد و همین امان شهر و مردمش را گرفته؛ مردم شهری که یک‌بار سی و چند سال پیش شهر را ترک کردند به خاطر جنگی که به ما تحمیل شد و حالا گرفتار جنگ شایعه شده‌اند و در آستانه ترک کردن دوباره شهری هستند که با وجود همه کمبودهایش دوستش دارند.

غلام علیدادی، قائم‌مقام سـتاد بحران شهرسـتان دهلران در این زمینه می‌گوید: زلزله امری طبیعی است و قسمت عظیمی از خاک کشور روی کمربند زلزله قرار دارد و به تبع آن شهرسـتان دهلران هم قسـمتی از آن روی کمربند زلزله قرار گرفته است و همین باعث شده تا از اردیبهشت ماه سال‌جاری تاکنون بیش از ۱۴۰بار شاهد زمین لرزه باشیم که شدیدترین آن به قدرت ۵/۱ریشتر در مقیـاس امـواج درونی زمین بوده که خوشـبختانه هیچ‌گونه خسارت جانی و مالی در پی نداشته است. بنا بر گزارش‌های کارشناسان ژئوفیزیک، زلزله‌های دامنه‌های زاگرس با ریشتر بالا نبوده و تاکنون از نظر تاریخی وقوع زلزله با ریشتر بالا در این منطقه گزارش نشده است.

معـاون برنامه‌ریـزی فرمانداری دهلـران در مورد اقدامات پیشـگیرانه اظهار داشـت: از آنجایی که ستاد بحران وظیفه‌ای در مقابل حوادث احتمالی دارد سـتاد بحران شهرسـتان از اول اردیبهشـت‌ماه سال‌جاری با برگزاری جلسات و هماهنگی کامل با ستاد بحران استان تمهیدات لازم را برای خدمت‌رسانی در حوادث احتمالی در دستور کار دارد. وی گفت: نکته‌ای که باید مردم به آن توجه داشـته باشند آموزش فنون مقابله با حوادث احتمالی اسـت که در این راستا با پیگیری‌های صورت گرفته ستاد بحران، هفت‌هزار بروشور در بین شهروندان توزیع شده و در آینده نزدیک مانور زلزله برای شناسایی نقـاط ضعف و قـوت گروه‌هـای امـدادی در یکی از محله‌های شهر دهلران با هماهنگی ستاد بحران استان برگزار می‌شود. این مقام مسوول در مورد انبوه شایعاتی که در شهر رواج گرفته و اقدامات برای خنثی‌شدن این شایعات، گفت: مردم به شایعاتی که در سطح شهرستان مبنی بر پیش‌بینی زلزله توسـط افراد سودجو و ناآشنا در سطح شهرستان شایع می‌شود، توجه نکنند و ستاد بحران هر گونه شایعه را رد می‌کند چرا که زلزله غیرقابل پیش‌بینی است و اگر افرادی بخواهند شایعاتی را برای رعب و وحشت در بین مردم پخش کنند آنها را به مرجع قضایی معرفی خواهیم کرد تا برابـر قانون با این افراد برخورد شود. وی گفت: ستاد بحران برای آمادگی، سه اردوگاه را برای حوادث احتمالی جهت اسـکان موقت مردم در شهرهای دهلران و موسیان احداث کرده است. علیدادی افزود: خوشبختانه در چند روز گذشته شدت زلزله کاهش پیدا کرده و زندگی مردم به صورت عادی و روزمره در جریان است.

یکـی از شـایعه‌های مطـرح شـده در دهلران درخصوص علت وقوع زلزله‌های اخیر موضوع اکتشاف نفت بوده که علیدادی با رد این موضوع گفت: زمین لرزه‌ها مربوط به انرژی زمین اسـت و هیچ ارتباطی با اکتشـافات نفتی منطقه ندارد و مردم با اطمینان کامـل زندگی روزمـره خود را دنبال کننـد. مردم دهلران حالا بیـش از ۱۴۰ زلزله کوچک و بزرگ را پشت‌سر گذاشته‌اند، شاید خود زلزله به خودی خود هیچ مشکلی برای آنها ایجاد نکرده اما انبوه شایعات در نبود اطلاع‌رسانی رسانه‌های محلی و ملی باعث شده تا روزهای سختی پشت‌سر گذاشته شود.

فراز و فرود فرش دستباف کرمان در گفت‌وگو با یک ارزش‌گذار فرش

می‌خواستند فاتحه فرش کرمان را بخوانند

عکس: خبرگزاری مهر

وحید قرایـی/ کرمان: قالـی کرمان معروف بـود و البته مرغوب. زیر پای هرکسـی نمی‌نشست و آوازه‌ای جهانی داشت. در شعرها می‌آمد و ترانه‌ها و از آن زیراندازهایی بود که هرچه پا می‌خورد ارج و قربش بیشتر می‌شد. هر کسی که مقاومتش در برابر قهر روزگار بیشتر بود به قالی کرمان تشـبیه می‌شـد. اگرچه امروز هم فرش کرمان هنوز در ایران و جهان پرآوازه محسوب می‌شود اما با آن سال‌های طلایی فاصله‌ای معنادار گرفته است؛ فاصله‌ای که خیلی چیزها در ایجادش موثر بودند؛ از رفتن و بازنشستگی آن نام‌های معروف صنعت فرش دستباف کرمان که نام‌شان «مارک» فرش می‌شد و «ارزش‌افزای» این هنر ماندگار تا آمدن خیلی‌ها که سـود مالی، بیش از هنر در این عرصه برایشان مهم بود. تبلیغات منفی هم در سال‌های گذشته اثر خودش را گذاشت و هندی‌ها، چینی‌ها و پاکستانی‌ها از آب گل‌آلـود ماهی گرفتند. البته به نظر می‌رسـد این روزها امیدها برای بازگشت وضعیت تولید و صادرات فرش دستباف کرمان به گذشته اندکی بیشتر شده است. برخی فعـالان این صنعت کم‌کم آموخته‌اند که بازاریابی کنند و به سلیقه نسل جدیدی از مشتریان ایرانی و جهانی خود توجه بیشـتری بکنند. حالا که بحران‌هایی مانند کم‌آبی ممکن است تولید پسته را در استان کرمان با چالش‌هایی مواجه کند این فرش دستباف است که همچنان می‌تواند به عنوان یک هنر اقتصادی و جهانی مانند گذشته خود را بر سر زبان‌ها بیندازد. «منوچهر شیخ‌مظفری» از فعالان صنعت فرش دسـتباف کرمان اسـت که تـلاش می‌کند راه‌هایـی برای احیای روزهای طلایـی فرش کرمان بیابد و در حال حاضر در دانشـکده فرش هم تدریس می‌کند. او می‌گوید: «براساس علمی که تجربی به دست آورده‌ام در دانشگاه تدریس می‌کنم؛ سال ۷۴ در دبیرستان، سال ۷۶ در دانشگاه علمی کاربردی و سال ۱۳۷۷ در دانشگاه کرمـان. درس‌هایی مثـل مرمت، شـناخت مـواد ویژه، کارشناسی، ارزیابی، کنترل کیفی و استانداردهای فرش، عیوب فرش، بافت فرش سنتی و هنری و...» وی در مورد نحوه ورود خودش به این هنر و صنعت هم عنوان می‌کند: «سال ۵۳ وقتی مدرسه می‌رفتم پدرم در کار فرش بود و پدربزرگم نقاش فرش. مدرسـه که تعطیل می‌شد به یک کارگاه فرش بافی می‌رفتم. خیلی از این هنر لذت می‌بردم. از کلاس ششم به مدرسه شبانه رفتم تا بتوانم به کار فرش ادامه دهم...» شـیخ مظفری، زمانی که «مارک»های روی فرش می‌توانسـت ارزش این هنر و صنعت را نشان دهد از کسانی بوده که روی فرش‌های تولیدشده در کارگاه‌های تولیدکننـدگان معـروف کرمـان مـارک می‌زده اسـت. گفت‌وگوی روزنامه شرق با او پیرامون دلایل افول روزهای خوب فرش کرمان و راه‌های بازگشت به آن روزها است...

■■■

چرا فرش کرمـان از روزهای طلایـی خود فاصله گرفت؟

در سال‌های گذشته که فرش کرمان از دید هنرمندان و عموم و تولیدکنندگان رونقی داشت به کیفیت و اصالت کار توجه می‌شـد نه قیمت آن. فرش را بـا آرم و مارک خاص خودش تولید می‌کردند چون به کارشان اطمینان داشتند و مارک نشان‌دهنده تولیدکننده بود و کیفیت و خریدار با اطمینان سبک مورد نظر خود را انتخاب می‌کرد. اما از سال ۵۹ دیگر فرش مارک‌دار تولید نشد. بعد از آن، پای تعاونی‌ها باز شد و حضور افراد متخصص تولید فرش کم‌رنگ شد و دیگر آن عرق و تعصب روی فرش کرمان از بین رفت. خیلی بافنده‌ها از سر اجبار می‌آمدند و دیگر با عشق کار نمی‌کردند. پول اهمیتی به اندازه امروز نداشت و هنر در تولید فرش بسـیار مهم‌تر بود اما الان این‌گونه نیسـت و در چنین شرایطی بود که هندی‌ها و چینی‌ها آمدند و از این خلأ استفاده کردند و بازار دنیا را به دست خود گرفتند.

چه عواملی در این روند بیشتر موثر بودند؟

در سال‌های گذشته، مواد اولیه نامرغوب در بی‌کیفیت شدن فرش نقش فراوانی داشته است. از سوی دیگر بافنده‌ها کم‌کاری خودشان را داشتند و مردم هم که نمی‌دانستند ماجرا از چه قرار اسـت. از طرفی ریسـندگی‌ها از پشـم درجه‌سـه استفاده می‌کردند و تجار هم به روی خودشان نمی‌آوردند که داسـتان دارد به کجا ختم می‌شود. حتی فرش‌های صادراتی هم کیفیت‌شـان افت کرد. در برخی موارد در بافت فرش‌ها تقلب شد و صادرکننده نظارتی بر کیفیت نداشت. حالا خود را جای واردکننده‌ای بگذارید که نمی‌خواهد فرش بی‌کیفیت بخرد. فرش گنجینه‌ای بود که ارزشی بیش از نفت داشت اما از مسیر اصلی‌اش خارج شد و دیگر آن بازدهی شایسته خود را ندارد.

این روند افول از چه زمانی سرعت بیشتری گرفت؟

از حدود سـه دهه پیش بود که تولید فرش متزلزل شد و کارگاه‌ها تقریبا تعطیل شدند. در سـال‌های قبـل از آن هفته‌ای یک خاور فـرش از کارگاه مرحوم «فکار»-یکـی از تولیدکننـدگان کرمانـی فـرش- به خـارج صادر می‌شد و حالا حساب کنید مجموع تولید فـرش در کرمـان را در آن سال‌ها. در همان سال‌ها بود که به یکی از کارگاه‌های معروف فرشبافی کرمان رفتـم؛ کارگاهی که صدای بافنده‌هـا و میانـدار کـه نقش را می‌خواند لحظه‌ای در آن قطع نمی‌شد اما آن روز صدای قمری‌ها می‌آمد و پیرمردی که سرش را به دار قالی تکیه داده بود و اشک می‌ریخت.

> **در سال‌های گذشته که فرش کرمان از دید هنرمندان و عموم و تولیدکنندگان رونقی داشت به کیفیت و اصالت کار توجه می‌شد نه قیمت آن. فرش را با آرم و مارک خاص خودش تولید می‌کردند چون به کارشان اطمینان داشتند و مارک نشان‌دهنده تولیدکننده بود و کیفیت**

درست است که کمرنگ شدن حضور نام‌های بزرگ صنعت فرش هم به این روند دامن زد؟

بله، کاملا درسـت اسـت. اجازه دهید در این مورد به ماجرایی اشـاره کنم که بازخوانی‌اش در این روزها برای همه بافندگان و فعالان صنعت فرش دستباف لازم است. «محمد ارجمندکرمانی»، زمانی در کارگاه فرش‌بافی خود، فرشی را بعد از چهار سال بافت. به دلیل تقلب بافنده در بافت آن، بریده بود و نگذاشته بود کار بافت آن تمام شود. یعنی حاضر شـده بود میلیون‌ها تومان سرمایه را فدای صداقت کاری بکند. مثل کاری که تویوتا در ژاپن می‌کند. کار او به پول الان، از دست دادن حداقل ۵۰میلیون تومان سـرمایه بوده است. این باید در تاریخ ثبت و الگوی همه تولیدکنندگان فرش شود. او از مبلغ زیادی از سرمایه خود گذشـت تا تاریخ‌سازی کند و همان‌ها بودند که در غیاب درآمد نفت برای شهر و کشورشان ثروت‌سازی می‌کردند.

و این خلأ و کم‌رنگ شدن کاربلدهای صنعت فرش دستباف کرمان چه تاثیری بر روند حرکت این صنعت گذاشت؟

در اینجا لازم اسـت تا از خاطـره‌ام از رویدادی بگویم که مجموعه‌ای از آن رویدادها باعث شد تا وضعیت فرش با گذشته‌اش متفاوت شود. یک بافنده فرشی را آورد که واقعا فرش ارزشمندی بود و با علاقه و تمام هنرش آن را بافته بود اما یکی از فرش‌فروش‌های کرمان که بیشتر به فکر منافع خودش بود بدون توجه به زحمت و احساسات بافنده به قیمت مناسـب از او فرش را نخرید و گفت بازار همین اسـت. آن روز ایـن فرش مثـل هر کالای معمولـی دیگری در بازار مقایسـه شـد. دفعه بعـد، آن بافنـده بدون اینکه خریدار بفهمد فرشی را بافت که در حـد همان بازار باشـد و به قیمت بازار بخورد. این دلال‌بازی‌ها این ضربـات را به فرش زد و از هنر به بازار اقتصادی متمایل شد. زمانی تولیدکنندگان با عشق و برای هنر کار می‌کردند امـا کم‌کم پول جای همه چیز را گرفت و حالا باید این روند را عوض کرد. کار من در سال‌های ۵۱ تا ۵۷ زدن مارک فرش‌های تولیدشـده در کرمان بود. اما در سال‌های اخیر برخی به من پیشنهاد می‌کردند مارک «ارجمند» را بر فرش‌های تولیدی‌شان بزنم و می‌گفتند چه کسـی متوجه می‌شـود؟ و من به آنها می‌گفتم اگر می‌توانی مارک خودت را بر این فرش بزن. «ارجمند» نماد یک فرهنگ غنی است و قبول نکردم چنین کاری بکنم.

شما در دانشکده فرش کرمان هم تدریس می‌کنید. وجود این دانشکده چه تاثیری بر روند حرکتی صنعت فرش دستباف داشت؟

بایـد بگویم که تاسـیس رشـته فرش در دانشـگاه نتوانسـت تاثیر زیادی بر صنعت فرش دسـتباف کرمان بگذارد. خیلی‌ها که به این رشـته وارد می‌شـوند، فقط می‌خواهند لیسـانس بگیرند و علاقه‌ای هم به این رشته ندارند. استادانی هم که واقعیت فرش دستباف کرمان را بدانند کم هسـتند و یک روال ناکارآمد به وجود آمده و فارغ‌التحصیل این رشته هم نمی‌تواند تغییری ایجاد کند.

چـه راه‌حلی را برای برون‌رفـت از وضعیت فعلی پیشنهادمی‌کنید؟

راه حل این است که یک سرمایه‌گذار بیاید و ریشه‌ها را هدف بگیرد و کار را به مسیر اصلی بازگرداند. باید تاجران و تولیدکننـدگان هزینـه و سـرمایه‌گذاری کنند و بافت فرش‌های باکیفیت را توسـعه دهند. باید برندسازی کنند و بگویند که فرش کرمان این است. سبک‌های بافت فرش در کرمان باید به درستی معرفی شود و تبلیغات مناسبی برای شناساندن آن صورت گیرد و مثلا سبکی مانند «کمان شیب» که در حال حاضر در کرمان مرسوم است به خوبی معرفی شود. کار فرش باید به اهلش بازگردانده شود. مجددا باید به اصل برگردیم و مثل بازگرداندن یک فیلم به ابتدای آن عمـل کنیـم. باید این نکته را هم عنـوان کنم که در سـال‌های اخیر وضعیت به گونه‌ای پیش رفت که سبکی متناسب با نیاز متقاضیان و جامعه بیشتر مورد استفاده قرار گرفت تا به نیاز بازار و مردم پاسـخ دهد. تقاضا برای فرش مناطقی نظیر گلباف شهداد، چترود و زرند کرمان افزایش یافت و حتی بازارهای جهانی را هم پوشش داد که برای رقبا این قضیه سنگین بود و تبلیغات منفی و غیرواقعی زیادی هم در مورد فرش‌های تولیدشـده در این مناطق برای به حاشیه بردن فرش کرمان و بدنام کردن آن صورت گرفت.

یعنی تلاش می‌شد وجهه فرش کرمان را مخدوش کنند؟

بله و متاسفانه رقبای تجاری می‌خواستند این وضعیت را به وجود بیاورند. در سال‌هایی می‌خواستند فاتحه فرش کرمان را بخوانند. جلسه گذاشتند و وزیر را آوردند و گفتند فرش کرمان دیگر تمام شده است اما نگذاشتیم و گفتیم کرمانی‌ها سبکی را به وجود آورده‌اند به نام کمان شیب تا قیمت پایین‌تری داشـته باشد. من در آن جلسه مقایسه کردم پراید را با کریسـیدا و گفتم که آیا همه می‌توانند کریسیدا سوار شـوند؟ پراید به دلایل اقتصادی مشتری بیشتری دارد و روال تولید فرش هم همین‌طور شده است. به نظر در این سـال‌های اخیر خیلی سعی شد تا فرش کرمان تخریب شود و بازار خود را از دست بدهد.

نگاه

فرش دستباف کرمان از نگاهی دیگر

محسن صفایی

بافت فـرش در کرمان بـه قبـل از دوران صفویه می‌رسد. شغل اصلی مردم کرمان قالیبافی بوده است و طرح و نقش بافت فرش‌های دسـتباف این استان از تازگی و زیبایی و تنوع خاصی برخوردار اسـت. یکی از دلایل شـهرت این فـرش رنگرزی آن بوده اسـت. رنگ‌های به‌کاررفته بسـیار متنوع هسـتند. اکثر این رنگ‌ها تا گذشته نزدیک در کارگاه‌های رنگرزی برای مصـارف شـالبافی و قالیبافی بـه کار می‌رفته‌اند و از سری رنگ‌های طبیعی هستند. تا اواسط دوره قاجار، کرمان یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مراکز تولید انواع منسوجات به خصوص پارچه‌های ابریشمی بوده است که از مهم‌ترین آنها شال‌های پشمی و پارچه‌های ساده کرباس و پته‌های زیبا را می‌توان نام برد.

شروع انقلاب صنعتی و ورود انواع پارچه‌های نساجی و ماشـینی، که منجر به کاهش تولید انواع منسوجات دستی شد، عامل اصلی گرایش به هنر قالیبافی کرمان است. در واقع دوران بعد از انقلاب صنعتی اروپا، یکی از پررونق‌ترین ادوار قالیبافی کرمان است. بعدها به علت وقوع جنگ جهانـی اول، بحران‌های اقتصادی سـال ۱۹۲۹ میلادی و کسادی ناگهانی در بازارهای خارجی موجب توقف سفارشات خارجی شد و این امر رفته‌رفته کار قالیبافی کرمان را کند کرد. با وجود رفع بحران در کشورهای اروپایی و آمریکا، شرکت‌های خارجی دیگر بـه اهداف گذشته‌شـان تمایلی نشـان ندادند. گرچه فرشـبافی در کرمان دیگر آن رونق گذشـته را نیافت، لیکن مردم قانع کرمان به حفظ دستاوردهای گذشته همت گماشتند و ویژگی‌های خاص این حرفه را حفظ کردنـد. با تمامی این افت و خیزها امروزه نام کرمان با قالی آن مترادف است. فرش‌هایی که در این منطقه بافته شـده زینت‌بخش موزه‌های معتبر جهان است و هنوز زیبایی و دوام اجناس با نام قالی کرمان در ذهن اشخاص تداعی می‌شود. همان‌گونه که قبلا ذکر شد، رنگ‌های مورد استفاده در قالی‌های کرمانی یکی از دلایل شهرت این قالی‌هاست که علاوه بر استفاده از رنگ‌های باثبات و گیاهـی، دارای ترکیب‌بندی رنگی بسـیار قوی نیز هسـتند. در قالی‌های مرغوب کرمـان به‌طور معمول حداقـل ۱۵ رنگ و در قالی‌های نفیس تا ۳۰ رنگ نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. از لحاظ رنگ‌آمیزی، فرش کرمان یکی از متنوع‌ترین و شـادترین فرش‌های ایران محسوب می‌شود. لاکی سیر و روشن، بژ، عنابی، مسی، آبی سیر و روشن، سرمه‌ای، صورتی و سبز سیر و روشن از مهم‌ترین رنگ‌های مورد استفاده در قالی‌های کرمان هسـتند. در حال حاضر، در کرمان از دارهای عمودی (ایستاده) استفاده می‌شود که البته این دارهای عمودی از نوع چرخان است و تنها در مناطق عشایری این استان است که دارهای افقی (خوابیده) به کار می‌روند. رجشمار فرش‌ها نیز متغیر و از ۳۵ تا ۸۰ رج است.

به‌طور کلی آنچه موجب شـهرت طرح‌ها و نقوش کرمان شـده است، اسـتفاده از موتیف‌های بسیار ریز اسـت که به صورت گسـترده در زمینـه قالی پخش شده‌اند و یک طرح پرکار را به وجود آورده‌اند. نکته قابل ذکر دیگر این اسـت که طراحان کرمانی از نقوش گل و برگ و درخت اسـتفاده کرده و می‌کنند و بسـیاری از صاحب‌نظـران معتقدند شـرایط اقلیمی و محیط کویری کرمان سبب شده تا طراح کرمانی با به تصویر کشـیدن گل‌ها و گیاه‌ها، کمبود آنان را در ذهن خود جبران کند. در مورد طرح‌های رایج امروزی در کرمان نویسـندگان کتاب‌های «مقدمه‌ای بر شـناخت قالی ایران» و «فرشنامه ایران» معتقدند این طرح‌ها عبارتند از: طرح‌های خوشه‌انگوری، سبزیکار چمنی، گلدانی و درختی، سـتونی ۳۳ پل، برگ چغندری، قاب قرآنی، بته‌جقه‌ای، لچک ترنج کف ساده و همچنین نقشه‌های گل فرنگ و گوبلن یا نقشـه‌های شـکارگاه و افشان، بازوبندی، خشتی و...

نکته جالب اینکـه به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد فرش کرمان در سال‌های ۱۳۳۹ و ۱۳۴۰ از خارج از کشـور افرادی می‌آمدند و از روند تولید فرش فیلم می‌گرفتند تا خودشـان تولید کنند اما آنها همه چیز را فهمیدند الا نقشه‌خوانی را که میاندار انجام می‌داده و آنها نقشـه‌خوانی با لهجه محلی را نمی‌فهمیدند. بر اساس این نقشه‌ها طرح‌ها را زدند و با ساخت دستگاه فرش ماشـینی تولید کردند. در همیـن حال، ناصر عباس‌پـور رییس اداره فرش سـازمان صنعت، معدن و تجارت اسـتان کرمان در مورد جایگاه فرش کرمان با اشـاره به اینکه هم‌اکنـون ۳۰۰ نفر در زمینه تولید فرش در اسـتان کرمان مشـغول به فعالیت هستند، گفت: متقاضی اصلی فرش کرمان، کشور آلمان است و بیشتر اطلاعات فرش کرمان از طریق طراحان فرش و دانشـجویان وارد بازارهای جهانی می‌شـود. وی با اشـاره به اینکه به دلیل نداشـتن کارشناسی ارزیابی، درصد ناچیزی از فرش کرمان در سطح شهر به فروش می‌رسد، خاطرنشان کرد: بیشتر فرش تولیدی کرمان به تهران ارسال می‌شود. وی با بیان اینکه ۷۰ هزار بافنده فرش در استان کرمان وجود دارد، تصریح کرد: تا پایان سـال گذشته ۳۲ هزار نفر از بافندگان فرش در استان کرمان شناسنامه‌دار شدند. عباس‌پور بیان داشت: برای هـر بافنده در کرمان ۱/۵ متر مربع دار قالی اختصاص داده می‌شود.

وی تعداد مجتمع‌های قالیبافی در اسـتان کرمان را چهار مجتمع اعلام کـرد و افزود: این مجتمع‌ها در شهرستان‌های کرمان، راور، انار و کشکوییه رفسنجان فعال هستند. گفتنی است رییس اداره فرش سازمان صنعت، معدن و تجارت اسـتان چنـدی پیش اظهار داشـته بود که در سـال گذشـته، ۴۰۰ میلیون دلار کل صادرات فرش کشـور بوده اما سهم کرمان در این صادرات بسیار ناچیز بوده است.

نگاه دیگران

کوشک اردشیر کلکسیون شیوه‌های مختلف تخریبی

■ مهر: بنای تاریخی «کوشـک اردشـیر» در استان بوشهر به حدی تحت تاثیر آسیب و تخریب قرار دارد که کارشناسان از آن به عنوان کلکسیونی از شیوه‌های مختلف تخریبی یاد می‌کنند. استان بوشهر دارای آثار تاریخی بکر و ارزشـمند اسـت که هرکدام به تنهایی توانایی تبدیل شدن به یک ظرفیت بزرگ گردشگری را دارد. ایـن توانایی زمانـی از حالت بالقوه به بالفعل می‌رسد که زمینه‌های حفظ و شکوفایی آنها نیز مهیا باشـد. یکی از این آثار کوشـک اردشیر است که این روزها به مجموعه‌ای از آسـیب‌ها و تخریب‌ها تبدیل شـده و کارشناسان را نگران کرده است. عضو شورای مرکزی انجمن هم‌اندیشان جوان در گفت‌وگو با مهر در این رابطه گفت: مجموعه آسیب‌های واردشده به بنای تاریخی کوشک اردشـیر و بی‌توجهی‌های مسوولان نسـبت به این سـازه پرارزش باسـتانی، این کوشک تاریخی را به یکی از مهجورترین بناهای تاریخی ایران تبدیل کرده اسـت. محسن عباس‌پور افزود: با وجود زیبایی قابل توجـه این بنا و قابلیت بـالای آن برای مطالعات باستان‌شناسـی و همچنین جذب گردشگر به دلیل وارد شـدن انواع آسیب‌ها، در حال حاضر این بنای تاریخی به عنوان کلکسیونی از شیوه‌های مختلف تخریبی و همچنین بی‌تفاوتی نسبت به این تخریب‌ها تبدیل شده است.

وی ادامـه داد: این کوشـک باارزش ساسـانی در منطقه «پشت پر» واقع در شمالی‌ترین منطقه استان بوشـهر یعنی در شـمال منطقه دشتسـتان و جنوب شـرقی شهرستان کازرون واقع شـده است. این فعال میراث فرهنگی اظهار داشت: براساس مطالعات ابتدایی باستان‌شناسی صورت‌گرفته در این کوشک، با توجه به برخی از اصول معماری در آن از جمله ساختار کلی بنا، مصالح به‌کاررفته در آن، نوع طاق‌ها و برخی از تزیینات برجای‌مانده در دیواره‌هـا و همچنین برخی مطالعات دیگر از این دسـت بنای مذکور به عنوان بنایی متعلق به دوران ساسـانیان شناسایی شـده و در فهرست آثار ملی ایران نیز به ثبت رسیده است. عباسپور بیان کرد: بنای کوشک اردشیر، هم به دلیل باقی ماندن برخی از دیواره‌ها و حفظ کردن سـاختار کلی بنا و هم به دلیل قـرار گرفتن در منطقه‌ای بکر و کمتر مطالعه‌شـده به عنوان یکی از آثار بسیار پرارزش دوران ساسانیان برای باستان‌شناسان و پژوهشـگران قلمداد می‌شود. با این وجود مجموعه تخریب‌های صورت‌گرفته در این بنا در عین حال آن را به نمونه‌ای از تنوع تخریبی در بناهای تاریخی ایران نیز تبدیل کرده است.

وی بیان کرد: سال‌هاست که در حریم درجه‌یک این بنای تاریخی و درسـت در فاصله پنج‌متری از یکی از دیواره‌های آن، اراضی کشـاورزی ایجاد و در فاصله‌های بسیار کمی از کوشک اردشیر، چند چاه کشاورزی حفر شده و هرسـاله و در فصول مختلف زمین‌های اطراف کوشـک شـخم می‌خورد و این موضوع باعث شده که طی سالیان گذشته بسیاری از دیواره‌های پیرامونی بنا به طور کلی از بین برود. عضو شـورای مرکزی انجمن هم‌اندیشان جوان ادامه داد: از سوی دیگر استفاده‌های نامتعارف از این بنا از جمله محلی برای نگهداری دام یا ابزار و ادوات کشاورزی که توسط عده‌ای صورت گرفته، باعث شـده که فضای داخلی آن نیز کمتر شباهتی به یک بنای باسـتانی داشته باشد و در حال حاضر بیشتر شبیه آغل شده است. وی گفت: علاوه بر این تخریب‌ها، حفاری‌های غیرمجاز صورت‌گرفته در بنا، ایجاد ساخت و سـازهای جدید در حریم بنا و از بین بردن منظر آن، قرارگیری مسـتقیم و بدون حفاظـت در برابر عوامل فرسـایش جوی از جمله سایر آسیب‌هایی است که در حال حاضر متوجه کوشک اردشیر شده است. عباسپور اظهار داشت: جدا شدن سالانه چند قطعه سنگ از این بنای تاریخی براساس علل مختلف از جمله رطوبت بالا و بارش‌های شـدید بـاران در منطقه و همچنین عدم استحکام‌بخشی مناسب دیواره‌ها نیز از جمله تخریب‌های دیگری است که در طول سال آسیب‌های جدی به این بنای پرارزش باستانی وارد کرده است. وی افزود: شدت فرسـایش در این بنای تاریخی تا به آن حد زیاد است که در ابتدای سال گذشته بخشی از دیواره‌های کوشک اردشیر فرو ریخت و آسیبی جدی به آن وارد شد گرچه بعد از آن مسوولان ذی‌ربط وعده‌هایی درخصوص تزریق بودجه و بهسـازی فضای پیرامونی کوشک و استحکام بخشـی دیواره‌ها دادند اما هیچ یـک از این وعده‌ها به درستی رنگ عمل نگرفتند. عضو شورای مرکزی انجمن هم‌اندیشـان جوان ادامه داد: از نکات جالب توجه دیگر پیرامون این بنا، عـدم وجود حتی یک تابلو راهنمایی سـاده در اطراف آن که توضیحاتی مرتبط با کوشک یا حتی هشدار درخصوص عدم ساخت و ساز پیرامون آن را داده باشـد اسـت. وی گفت: به این مورد البته باید فقدان جاده دسترسی مناسب و عدم وجود کوچک‌ترین زیرسـاختی برای مراجعه گردشـگران به این بنا را نیز اضافه کرد به نحوی که گردشـگرانی که قصد بازدید از این بنا را دارند یا باید مسـافت طولانی را در جاده‌های کوهستانی و غیراستاندارد در یکی از مسیرهای فرعی محور برازجان ـ کنارتخته طی کنند یا برای دسترسی سریع‌تر به این بنا، از جاده خاکی و سنگلاخی که منطقه جره و بالاده شهرسـتان کازرون را به منطقه پشت پر متصل می‌کند، استفاده کنند.

عباسپور بیان کرد: به تمام آسیب‌های ذکرشده باید اضافه کرد که هر اندازه رد پای آسیب‌ها و تخریب‌های مختلف در این بنای پرارزش دیده می‌شود ردی از اداره میراث فرهنگی دیده نمی‌شـود و تاکنون اداره میراث فرهنگی موفق نشده با کشاورزان و بومیان منطقه برای رهاسازی اراضی کشاورزی واقع در حریم درجه‌یک بنا به توافق برسـد و از توان آنها برای حفاظت از مجموعه کوشک اردشیر استفاده کند.